یادبود شهید شریف طبع قنوتی

شیخ چریک مسیح خرمشهر

مجتبی برزگر

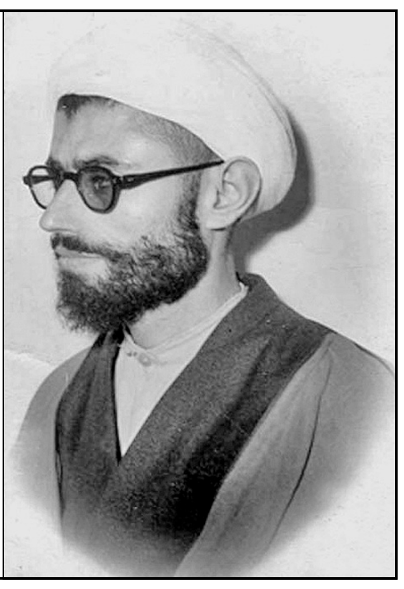

سال ۱۳۱۳ در خوزستان به دنیا آمد؛ از کودکی با درد و رنج مردم آشنا بود و نمی‌توانست نسبت به آن بی‌اعتنا باشد. شاید همین احساس و یا چیزی شبیه آن بود که به باورهایش عمق و جهت بخشید و او را به این نتیجه رساند که راه رهایی جامعه از ویروس‌های کشنده فقر، تبعیض و فساد، راه دین است. سرانجام علاقه به تحصیل علوم دینی او را به آبادان کشاند تا از دانش عموی بزرگوارش «شیخ عبدالستار اسلامی» و «شیخ عبدالرسول قائمی» بهره‌مند شود. شوق بیشتر دانستن او را به بروجرد کشاند. در بروجرد چند سالی از محضر «آیت‌الله نجفی بروجردی» علوم دینی را فرا گرفت و«سطح» را به پایان رساند. سپس سر در راه قم نهاد و در «خارج» از افاضات امام خمینی(ره) و آیت‌الله گلپایگانی(ره) مستفیض شد. تحصیل دانش مانع توجه او به وضعیت جامعه نمی‌شد؛ گاه در شهر قم او را می‌دیدند در قامت یک طلبه جوان سروصدا می‌کند. وقتی با چند نفر دور او جمع می‌شدند همه می‌دیدند «شریف» است که با صدای بلند با مردم صحبت می‌کند و می‌کوشد به آنها آگاهی دهد. هر بار دستگیر می‌شد و پس از رهایی کارش را تکرار می‌کرد. سری نترس داشت و با حکومت سرسازگاری نداشت. بعدها معلوم شد که با شهید نواب صفوی هم در ارتباط است.

تبلیغ دین به درخواست آیت‌الله گلپایگانی

بیش از ۲۶ سال نداشت که در سال ۱۳۳۹ بنا به خواست آیت‌الله گلپایگانی به روستای «سرنجلک» رفت تا به تبلیغ دین بپردازد. در آنجا با کمک مردم متدین و انسان دوست یک مسجد و یک باب حمام ساخت. این فعالیت‌ها موجب شد تا مردم «اردکان فارس» از او دعوت کنند تا به نزدشان برود. «شهید قنوتی» با روی باز پذیرفت و به قصد خدمت به سویشان شتافت. رفته رفته محمدحسن [طلبه جوان] به مرجعی برای رفع مشکلات و حل اختلاف‌ها تبدیل شد. بینش ودانش او بیش از پیش اعتماد ساکنان منطقه را جلب کرد؛ وجودش منشأ آبادانی و وفاق بود. به طوری که با همت مردم، مسجدها و حمام‌ها ساخت. مساجدی را که به تعمیر نیاز داشتند بازسازی می‌کرد که مسجد جامع و مسجد حجت بن الحسن از آن جمله‌اند.

همیشه به فکر مردم بود. زمستان‌ها که آب یخ می‌زد و شهر بی‌آب می‌ماند، جزء اولین کسانی بود که بیل به دوش می‌گرفت و همراه گروهی از جوانان برای شکستن یخ‌ها راه می‌افتاد. بعضی وقت‌ها تا شب بر نمی‌گشتند و زمانی که علت تأخیر را از او می‌پرسیدند؛ محمدحسن می‌گفت که با حیوانات وحشی چون گرگ و خرس درگیر شده و وقتی به منزل باز می‌گشت می‌دیدند تا کمر خیس است. چرا که محمدحسن قبا را بسته بود و تا کمر در آب فرو رفته و یخ‌ها را شکسته بود.

یکی از نزدیکان شهید شریف نقل می‌کند که: یک بار میان اهالی دو محله اختلاف شدیدی پیش آمد. دوطرف یکدیگر را سنگ باران می‌کردند. لحظه لحظه برشدت نزاع افزوده می‌شد. تا جایی که برخی پیش‌بینی می‌کردند چند نفر جان خود را از دست بدهند. در این موقعیت، شهید شریف به میدان آمد و زیر باران سنگ دومحله ایستاد. سنگ‌ها او را مورد اصابت قرار داد و دست چپش شکست و پهلو وگردنش نیز مجروح شد اما هنوز سرپا بود ولی چند سنگ دیگر که به او برخورد کرد به زمین افتاد. عده‌ای از مردم که او را در آن حال دیدند به شتاب از زیر باران سنگ بیرونش آوردند. در راه منزل به آنها گفت «منو کجا می‌برین»؟ گفتند: برای مداوا و استراحت می‌بریمتان منزل. گفت: الان وقت استراحت من نیست. می‌ترسم اگر نروم چند نفر کشته بشوند. به اصرار شهید، او را به محل درگیری بازگرداندند. دوطرف درگیر با دیدن اینکه با آن وضع دوباره برگشته بود، شرمنده شدند و از درگیری دست برداشتند و از پشت‌بام‌هایشان پایین آمدند. بعد از این واقعه، شریف را به منزل نیاوردند، به کتابخانه‌ای که برای جوانان دایر کرده بود، بردند و تا چهل روز آنجا بستری شد.

ماجرای بازداشت شدن شریف

با شروع مبارزات انقلاب اسلامی در ۱۵ خرداد سال ۴۲ او که از مریدان امام خمینی(ره) بود فعالیت‌های سیاسی خود را آغاز کرد. هرگاه به قم می‌آمد اعلامیه‌ها و نوارهای سخنرانی امام(ره) را برای مردم اردکان به ارمغان می‌برد. شب‌ها می‌نشست و با کاربن اعلامیه‌ها را تکثیر می‌کرد. از روشنگری مردم در مساجد واهمه‌ای به دل راه نمی‌داد. رساله امام(ره) را با نام مستعار در میان مردم توزیع می‌کرد و جوانان را مجذوب خود کرده بود. مردم دوستش داشتند. ساواک از این محبوبیت رو به رشد و سخنرانی‌های بی‌پروا ترسید و تصمیم گرفت بازداشتش کنند. اهالی اردکان مدتی او را در روستاهای منطقه پنهان کردند ولی سرانجام ساواک با همکاری ژاندارمری او را یافت و دستگیر کرد.

در راه شیراز ماموران از او می‌خواهند لباس روحانی خویش را درآورد. اما او در پاسخشان گفته بود: «بزرگ‌ترهایتان از این لباس وحشت دارند شما که جای خود دارید» لباسش را در نمی‌آورد. زندانی می‌شود ولی طولی نمی‌کشد که تحت فشار عشایر منطقه آزاد می‌شود و ساواک تنها به ممنوع المنبر کردن او اکتفا می‌کند.

زیر سخت‌ترین شکنجه‌های ساواک

ساواک شیراز که وجود محمدحسن را فوق‌العاده خطرناک تشخیص می‌داد شبانه به منزلش حمله کرد و تصمیم گرفت تا این بار برای همیشه از شرّ این سر نترس خود را نجات دهد. اما یورش بی‌نتیجه ماند چون شهید شریف پیش از آنکه ماموران دستگیرش کنند با کمک همسایه‌ها از راه پشت‌بام فرار می‌کند اما چند روز بعد در اصفهان با مقداری اطلاعیه از امام(ره) شناسایی و دستگیر می‌شود. ساواک اصفهان می‌خواهد هر طور که شده او را به حرف درآورد به همین دلیل او را سخت شکنجه می‌دهند و تمام ناخن‌های پاهایش را می‌کشند. وی پس از بهبود به اردکان باز می‌گردد و از سوی مردم مورد استقبال قرار می‌گیرد. شیخ همیشه روی انگشتان پایش حنا می‌بست تا مردم متوجه نشوند که در راه مبارزه شکنجه شده است. معتقد بود که چون این کار برای خدا بوده پوشیده بماند تا از خطر ریا در امان باشد و ارزش کار از بین نرود.

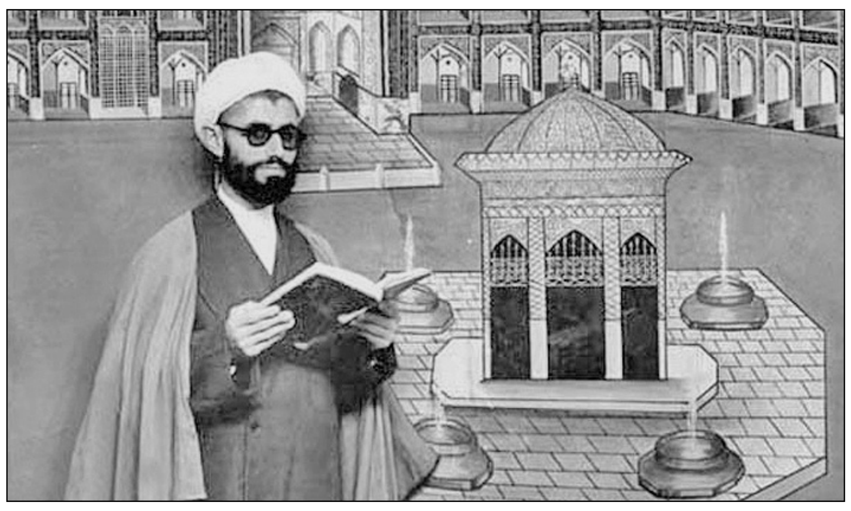

آزادی از زندان ساواک

حکومت شاه نفس‌های آخر را می‌کشید. مردم مسلمان مسجد سلیمان نیز بارها به شدت نسبت به دستگیری شیخ اعتراض و علیه رژیم راهپیمایی کرده بودند. نگه داشتن یک روحانی فعال و نترس در زندان هم که کار آسانی نبود. از طرف دیگر هم جرأت کشتن او را نداشتند پس تصمیم گرفتند برای آرام کردن مردم او را که در انفرادی نگه می‌داشتند همراه با گروهی زندانی سیاسی دیگر آزاد کنند.

شریف قنوتی پس از رهایی از زندان به آغوش خانواده خویش در بروجرد بازگشت و حالا که تب وتاب انقلاب سراسر کشور را فرا گرفته بود در مسجد امام(ره) سخنرانی و مردم را به راهپیمایی علیه رژیم دعوت می‌کرد؛ به تظاهرات مردمی جهت می‌داد و به خاطر حساسیت نسبت به محتوای شهرها و تمایل جدی برای اسلامی بودن آنها شب‌ها تلفنی با تهران، قم، اصفهان و شیراز تماس می‌گرفت تا ضمن این که شعارهای اسلامی را تهیه می‌کند از تکراری بودن آنها نیز بپرهیزد.

دلاوری و مردمیاری در خرمشهر

با شروع جنگ اولین ستاد کمک‌رسانی به جبهه را تشکیل داد و با همکاری گروهی از جوانان غیرتمند و مردم مومن شهر، ۲۱ کامیون کمک‌های مردمی بروجرد و حومه به خرمشهر و هفت کامیون را به گیلانغرب ارسال کرد. پس از توقف کوتاهی از اهواز به سوی خرمشهر حرکت کرد. کمکهای مردمی را به رزمندگان رساند. پس از اینکه از نزدیک با عمق فاجعه آشنا شد به بروجرد بازگشت و به یاری مردم مسلمان شهر ستاد کمک‌رسانی و اسکان جنگ‌زدگان را تشکیل داد و خود با گروهی از جوانان شجاع و انقلابی از جمله شهید حجت‌الله برخورداری و شهید علی ارجمندی برای حمایت از رزمندگان اسلام به خرمشهر شتافت.

تشکیل گروه چریکی «الله اکبر»

یک روز پس از ورودش به شهر، گروه چریکی «الله‌اکبر» را با سه شاخه «محمد رسول‌الله»، «علی ولی‌الله» و«ثارالله» تشکیل داد. خودش هم حساس‌ترین محور و سخت‌ترین کار یعنی تأمین مهمات و جابجایی نیروها را به عهده گرفت. این گروه همراه سایر رزمندگان با هوشیاری و رشادت چندین بار نیروهای دشمن را از گوشه و کنار خرمشهر عقب زدند. شهید قنوتی با ایمان و دلاوری‌های کم نظیر خود روحیه مدافعان شهر را دوچندان می‌کرد. هرگاه مأموریتی خطرناک پیش می‌آمد خود اولین داوطلب بود و با شجاعت تمام آن را به انجام می‌رساند. هم می‌جنگید و هم تبلیغ می‌کرد. گاه در شرایطی مناسب خطاب به نیروهای دشمن به زبان عربی خطبه‌ای کوتاه می‌خواند و آنان را به حق راهنمایی می‌کرد. این کار او به جوانان خودی روحیه می‌داد. به طوری که یکی دوبار به‌تانک‌های دشمن حمله کردند و چندتا از آن را منهدم کردند و بقیه را متواری ساختند.

جواب دشمن با شوخی و مزاح

یک روز یکی از افسران مدافع شهر به شوخی به او گفت: حاج آقا! این عمامه شما بالاخره سر ما را به باد می‌دهد بیا اونو ور دارید و به جاش کلاهخود بگذارید. در پاسخ با لبخند گفت: این عمامه تاج سر من است و من با آن شهید می‌شوم. هرچه دشمن فشار خود را بیشتر می‌کرد شهید شریف هم بیشتر سعی می‌کرد با شوخی ومزاح به نیروهای خودی روحیه بدهد، مثلاً یک بار که دشمن عرصه را بر نیروهای مدافع خرمشهر تنگ کرده بود درآن بحبوحه جنگ وگریز می‌گفت: «برادران به پیش که حوریان منتظرند»!

شب عید قربان به قربانگاه شهادت رفت

همسر شهید نقل می‌کند:بعداز رفتن شریف به جبهه ما دیگر او را ندیدیم ولی دوستانش که به ما سر می‌زدند می‌گفتند: در جبهه خرمشهر برای رزمندگان آذوقه و مهمات می‌برد. نقل می‌کنند که او سخت‌ترین وخطرناک‌ترین کارها را خودش به عهده می‌گرفت و هرگاه مجبور می‌شدند از مسیری عبور کنند که در دید دشمن بود با شهامت این کار را انجام می‌داد. بالاخره در روز پنج شنبه بیست وچهارم مهرماه سال ۵۹ مصادف با شب عید قربان به قربانگاه عشق گام نهاد.

هنگام عبور از خیابان چهل متری با کمین دشمن برخورد می‌کنند یکی از رزمندگان هم همراه اوست از ماشین پیاده می‌شوند و با تنها اسلحه‌ای که همراه دارند تا آخرین گلوله مقاومت می‌شود دیگر گلوله‌ای برایشان باقی نمانده از کمین‌گاه خود بیرون می‌آید برای در هم شکستن مقاومت احتمالی آنها ابتدا تیری به پاشنه پای شریف می‌زنند. رزمندگان خودی نظاره‌گر صحنه هستند از بیم کشته شدن دوستان حمله نمی‌کنند. امیدشان این است که سربازان دشمن آنها را به اسارت ببرند ولی در کمال ناباوری می‌بینند که دو گلوله به دست‌ها دو گلوله‌ای دیگر هم به پای شیخ می‌زنند و او را نقش بر زمین می‌کنند. از آن طرف هم حدود ۱۰ گلوله به همراهش رضا می‌زنند؛ رضا حتی از تیر خلاصی که جمجمه‌اش را می‌خراشد نجات پیدا می‌کند ولی محمدحسن که با لباس روحانیت برزمین افتاده ودر خون خویش می‌غلطد از کینه و نفرت دشمن جان به در نمی‌برد. یکی از آنها سرنیزه‌اش را در جمجمه او فرو می‌برد و می‌چرخاند. در حالی که محمدحسن عمامه‌اش را با سر نیزه به هوا بلند می‌کند و می‌گوید «انا قتلت واحد الخمینی».

بخشی از وصیت‌نامه شهید شریف قنوتی

... از سخن باطل و شهادت دروغ بپرهیزید. با ظالم وستمگر با بدکاران و با شرابخواران مجالست نکنید. تلاش خود را صرف جمع مال دنیا نکنید و روز حسرت و پشیمانی و زیان‌کاری را فراموش نکنید. امر به معروف و نهی از منکر کنید با اوباش و با ستمکار و فرومایه نشست و برخاست نداشته باشید. با انسانهای نیکوکار و اهل ذکر همنشین شوید هرکجا هستید اهل تقوی و درستی باشید. شما را به آنچه از نماز و روزه وحج بر عهده دارم سفارش می‌کنم. اما نماز به جایم سه سال نماز گزارید وسه ماه روزه به جاآورید اگر بیشتر به جا آورید ثوابش از آن شماست.

این چهره‌های خندان...

دو سال و چند روزی از حماسه خان طومان سوریه می‌گذرد... و ما ادراک خان طومان ؟!

خان طومان هنگامه آتش و خون بود و عرصه آزمونی بزرگ برای آنان که پیش از حضور در این آزمایش سخت، در جهادی اکبر، در مبارزه با نفس، زنگار تعلقات دنیوی را از دل و جان خویش زدوده و گرد و غبار کسالت و فراموشی را از روح و روانشان سترده بودند.

در سالگرد حماسه خان طومان سوریه و به یاد دل‌های عاشق و سرهای پر شور مدافعان حرم، که به قصد دفاع از حریم میهن اسلامی و حرم پیام‌آور کربلا حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها، دل بریده از دنیای فانی، با پروازی بلند به استقبال شهادت شتافتند؛ سروده‌ای نا قابل پیشکش می‌شود به روان پاک این شهیدان والامقام که همان روزها از دل پر درد بر آمد و در مقدمه‌اش چنین نوشته بودم:

در صفحه سه روزنامه کیهان چهارشنبه بیست و دوم اردیبهشت نود و پنج، تصویری جلب نظر می‌کرد با عنوان «این چهره‌های خندان...» عکسی یادگاری از دلیر مردان مازندرانی، که با سیمایی نورانی و چهره‌هایی خندان، عازم خط مقدم مقابله جهانی کفر و ایمان در جبهه‌های آن سوی مرز، در سوریه بودند... کسانی که مشتاقانه می‌رفتند تا در دفاع از حرم و حریم اسلام و جمهوری اسلامی ، به جهاد برخیزند و چه سعادتمند بودند که خیلی زود به آرزویشان رسیدند و در خان طومان ، به قله‌های رفیع شهادت صعود کردند... تصویر گویای کیهان و عنوان مناسب آن، انگیزه‌ای شد تا در ادامه، با مطلع «این چهره‌های خندان» ابیاتی از ذهنم بگذرد برای تقدیم کردن به خاک پای این افتخار آفرینان میهن اسلامی، از خطه دلاورخیز مازندران و از ایران بزرگ و همیشه سرفراز...

این چهره‌های خندان...

این چهره‌های خندان، رهپوی راه دینند / در علم حق پرستی، عین عین الیقینند
از جان گذشتگانند، در راه دین و ایمان / دل زده‌اند به دریا، نسل فتح المبینند
همسنگر امیدند، همسایه بهارند / مشمول لطف و احسان، از رب العالمینند
دل هایشان پراز مهر، افکارشان بلند است / در عرصه‌های پیکار، شایان آفرینند
در شام ظلمت و کفر، روشنگران راهند / هم یاوران مظلوم، هم دین و سر زمینند
این چهره‌های خندان، پشت کرده‌اند به دنیا / دل داده‌اند به معبود، با یار خود قرینند
این چهره‌های خندان، ابرار و صالحانند / گوهر ناب اسلام، در گنج مسلمینند
ای کاش که این حکایت، هر دم شود روایت / تا غافلان بدانند، این عاشقان چنینند

علیرضا چخماقی

خاطراتی شنیدنی از شهید عباس کریمی

تذکر فرمانده درباره ماشین تشکیلات

سعید رضایی

عباس کریمی یکی از شهدای اطلاعات استان البرز و تهران است که نقش مهمی در پیروزی‌های رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس داشت. روحیه شاداب و اخلاق خوب از ویژگی‌های ارزشمند شهید کریمی بود که مورد تاکید رزمندگان آن دوران نیز بود.

مهدی عموزاده اطلاعات عملیات دوران دفاع مقدس درباره شهید عباس کریمی می‌گوید: یک زمانی بود که آقای الله‌کرم و سعید قاسمی از اطلاعات منفک شدند و کل اطلاعات را تحویل شهید عباس کریمی دادند. شهید همت حاج عباس آقا را برای معارفه به سر پل ذهاب آورد و ما او را می‌شناختیم و خیلی با او گرم گرفتیم. یک مقطع کوتاهی که من با حاج عباس کریمی بودم این بود که ما یک ماشینی تحویل گرفته بودیم که ماشین خیلی نو بود و من هم همیشه با شهید کریمی بودم و هرجا برای سرکشی می‌رفت تذکراتی در خصوص بیت‌المال می‌داد. وی بسیار به موضوع بیت‌المال استفاده شخصی از ماشین تشکیلات حساس بود. یادم هست در یکی از ماموریت‌ها که با ماشین تشکیلات رفته بودیم به ما تذکر داد که در مسیر به هیچ عنوان کولر نگیرید چرا که آنهایی که در خط مقدم جبهه هستند کولر ندارند و این موضوع از نظر شرعی صحیح نیست. شهید کریمی خودش را با رزمندگان قیاس می‌کرد و با آنکه خود فرمانده اطلاعات و عملیات بود اما هیچ تفاوتی بین خود و سایر رزمندگان در جبهه‌های نبرد نمی‌دید و دائما این موضوع را به نیروهای تحت امر تذکر می‌داد.

این رزمنده اطلاعات و عملیات در خاطره دیگری در باره حضور شهید عباس کریمی در جبهه‌های نبرد عنوان داشت: ساده‌زیستی یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی و رفتاری شهید عباس کریمی بود تا جایی که یکبار برای یک جلسه خدمت فرمانده لشکر ۹۲ زرهی خوزستان رسیدیم و فرمانده لشکر منتظر حضور حاج عباس کریمی بود تا جلسه برگزار شود. فرمانده لشکر ۹۲ زرهی خوزستان از من پرسید پس حاج عباس کریمی چرا نیامد که من در جواب گفتم آقای کریمی ایشان هستند که در کنار من حضور دارند و او از ساده‌زیستی شهید کریمی تعجب کرد. سرهنگ رامین که آن زمان فرمانده لشکر ۹۲ زرهی خوزستان بود از ساده‌زیستی مسئول ما تعجب کرده بود؛ چرا که مسئولین و فرماندهان ما یک منش و نگرش خاص بسیجی در روحشان جریان داشت.

مهران را هم خدا آزاد کرد

قافلهٔ شوق-۴

منصور ایمانی

بار دومم بود که می‌رفتم مهران. یازده ماه پیش با جمعی، برای زیارت کربلا به آنجا رفته بودم. توی گرگ و میش صبح به گمرک مرزی رسیده بودیم. پا به خاک عراق که گذاشتیم، دیدیم کار کنترل و بازرسی ایرانی‌ها، بیشترش دست آمریکایی‌هاست. تعدادی از منافقین هم کنار یانکی‌ها بودند. وطن فروش‌ها، یونیفورم ارتش آمریکا تنشان بود و مأموریت داشتند؛ از بین ایرانی‌هایِ متولد چهل و پنجاه، یعنی پا به سن گذاشته‌هایِ کاروان، افراد مورد نظرشان را شناسایی کنند و به آمریکایی‌ها را پورت بدهند. این افراد، همان حزب‌الهی‌هایِ جوان دههٔ شصت بودند که توی غائلهٔ منافقین، سینه به سینه شان می‌دادند. از بین ما به یکی مشکوک شده بودند که بعد از چشمْ نگاری و استنطاق توی کانکسِ بازجویی، خلاص شد.

این بار نیمه‌های شب به مهران رسیدیم. بیشتر از ۹ ساعت جاده را کوبیده بودیم که بیشترش دره و گردنه بود. کوفتهٔ راه بودم و تنها به خواب فکر می‌کردم. قیافه‌های بقیه هم می‌گفت که آنها هم، از هرچه جز خواب بی‌نیازند. ضمنا برنامهٔ سفر فشرده بود و چاره‌ای نداشتیم جز اینکه به کارهای شخصی نظم بدهیم. پس باید زودتر می‌خوابیدم. برای بیتوتهٔ قافله، مهمانسرای کمیته امداد امام خمینی(ره) را در نظر گرفته بودند. انصافا هم پاکیزه و مرتب بود، هم باصفا و دل خوش‌کُن. حیاط مهمانسرا با نخل‌های بارآور و درختچه‌های گرمسیری و گل‌های زینتی، بسیار خوش‌نما بود و به دل آدم می‌نشست. داخل اتاق‌ها تروتمیز و هرچی سر جای خودش بود. مثل خانه‌ای که مدیرش، کدبانوی هنرمندی باشد. با خودم گفتم؛ مهمانسرای اداری و این همه پاکیزگی و زیبایی، از عجائب است! باغچهٔ رنگ وارنگ حیاط، چشمم را گرفته بود، ولی گلگشتِ باغ و بهار را گذاشتم برای صبح. زیباتر از محل اسکان، خونگرمی همکاران کمیته امداد و فرمانداری مهران بود و همین خستگی را از تن آدم در می‌آورد. چای تازه دم و سیب سرخِ خوش عطر، دلت را غَنج می‌داد. با دیدن میزبانِ خوشْ استقبال، توی دلم گفتم؛ علی الظاهِر هرچی را که راجع به نظم و انضباط ریسیدیم، باید با دست خودمان پنبه کنیم! بساط شبچره می‌گفت؛ شب‌نشینی تازه شروع شده! همین اتفاق هم افتاد. معاون فرماندار مهران که مرد جا افتاده‌ای بود، به جمع‌مان اضافه شد. بس که صحبت‌هایش گیرا و چانه‌اش گرم بود، خواب از سر همه پرید. هم حرف زدنش جالب بود و هم حرف‌های جالبی می‌زد. نه اینکه قصهٔ حسین کُرد شبستری برایمان بگوید. از مهران و مردمانش گفت، از کار و بار شهر، از بازسازیِ پس از جنگِ مهران صحبت کرد و درخصوص پایانه و گمرک مرزیش گفت: «این پایانه بزرگ‌ترین پایانه، توی خاور میانه و در حال تمام شدن است. راه‌اندازی که بشود، در مبادلات تجاری ایران با عراق و پیشرفت منطقه غرب کشور، تأثیر زیادی خواهد گذاشت.»

بیشتر از یک ساعت بود که میزبانان خونگرم، از ما پذیرایی کرده بودند. پلک‌های افتادهٔ مهمان‌ها، دلشان را به رحم آورد. شب بخیر گفتند و رفتند. برای خواب، هر چند نفر به اتاقی رفتند و من با ساربانِ اهلِ صفاهان، همْ اتاق شدم. حسب عادت، دو سه ساعت از وقت خوابم گذشته بود. زیر لحاف بودم ولی چشمم گرم نمی‌شد. چند لحظه‌ای گذشته بود که توی تاریکی و سکوت اتاق، صدای آهسته‌ای از بستر همْ اتاقی‌ام آمد. زمزمهٔ حضرت ساربان بود، ولی نامفهوم. باتوجه به حساسیتی که آقای مهرشاد نسبت به دخل و خرج سفر داشت و آن سال هم سال اصلاح الگوی مصرف بود، فکر کردم شاید زیر لب، چرتکه می‌اندازد و خرج و مخارج امروزمان را درمی آورد، تا اگر در هزینهٔ چیزی ناپرهیزی شده، فردا جبرانش کند! اما دقیق‌تر که گوش دادم، دیدم زمزمهٔ دعای قبل از خواب است! امیدوارم جناب مهرشاد، به خاطر استراق سمع و رمزگشایی از اذکار و اوراد خفی‌اش، یقهٔ ما را آن دنیا نگیرد! چند دقیقه بعد، چشمم تازه داشت گرم می‌شد که توفان سنگینی با رگبار شدید باران برخلاف بارانِ شاعر پیشهٔ اسلام آباد، بلند شد و خفته‌ها و نخفته‌ها را از جایشان پراند. توفان چنان در و پنجرهٔ مهمانسرا را به هم می‌کوبید که انگار چند قبضه توپ، همه جا را گرفته‌اند زیر آتش. باد بیابانْ گرد، تنوره می‌کشید و گرد و غبار دشت را، لوله می‌کرد و می‌زد به سر و تن مهمانسرا. خاک از شکاف در و پنجره، وارد اتاق‌ها می‌شد و می‌رفت لای شَمد و لحاف مسافرانِ آشفتهْ خواب! حتم داشتم هر چیزی که توی حیاط خانه‌ها و کوچه و خیابان، دَم چَکِ این توفان بوده، حالا بین زمین و آسمان معلق شده و خدا می‌داند کجا افتاده و فردا، کجا پیدایشان خواهند کرد؟! از اهل قافله، بعضی‌ها بلند شدند و نماز آیات خواندند. شورش هوا نیم ساعت طول کشید. به هر حال از صدقه سری اهل ذکر و نماز، قیامت صغرا از سر مهران و مهمان‌هایش، بخیری گذشت و جماعت بعد از هول و ولای توفان، سر راحت روی بالش گذاشتند!

بدان مثل که شب آبستن ست روز از تو
ستاره می‌شمُرم تا که شب چه زاید باز

خروش و خیزش همه‌جانبه فلسطین در راهپیمایی بزرگ بازگشت

تهیه و تنظیم: کامران پورعباس

«فلسطین» پاره‌تن مسلمانان و مسئله اصلی جهان اسلام و «آزادی قدس» و «نابودی رژیم‌اشغالگر قدس» آرمان بزرگ مسلمین است.

سالها بود که دشمنان اسلام و مستکبران عالم با حمایت و پشتیبانی از داعش و تکفیری‌ها جهان اسلام و گروههای مقاومت را درگیر جنگ‌های خونین فرسایشی کرده و می‌کوشیدند تا موضوع فلسطین را به حاشیه رانده و توجهات را از مسئله اصلی جهان اسلام منحرف نمایند اما با نابودی داعش و فروکش کردنِ خطر تکفیری‌ها بار دیگر موضوع رهایی فلسطین و آزادیِ قدس پررنگتر مطرح گردید و در ماه‌های اخیر نیز اتفاقاتی رخ داد که فلسطین را به کانون توجهات جهانی بازگرداند.

فلسطین تا کنون سه جنگ بزرگ و سه انتفاضه عظیم را پشت سر گذاشته است اما مدتها بود که کمتر موضوع فلسطین در صدر اخبار بین‌المللی قرار می‌گرفت تا آنکه موضوع راهپیمایی بازگشت مطرح و عملیاتی گردید که این امر به خروش و خیزش عمومی و همه‌جانبه‌ای منجر شد که پایه‌های لرزان و نامشروع رژیم صهیونیستی را متزلزل‌تر نمود.

راهپیمایی بزرگ بازگشت ابتکار حماس

رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۷۶ شش فلسطینی ساکن فلسطین‌اشغالی را که برای بازپس‌گیری زمین‌های مصادره شده خود اقدام کرده بودند به شهادت رساند و از آن سال به بعد فلسطینیها این روز را روز زمین نامیدند.

امسال جنبش حماس از فلسطینیان دعوت کرد در روز زمین با راهپیمایی به سوی مرزهای‌اشغالی، «راهنمایی بزرگ بازگشت» را برپا نمایند. این راهپیمایی با حضور پرشور و گسترده ملت فلسطین در روز زمین مصادف با ۱۰ فروردین ۱۳۹۷ آغاز شد اما تنها به این روز منحصر نگردید و در روزهای دیگر نیز تداوم یافت و در روز نکبت(سالروز تأسیس رژیم صهیونیستی) که توأم با انتقال سفارت آمریکا به قدس و افتتاح آن بود شدت بیشتری پیدا کرد. واکنش ددمنشان صهیونیست، خشونت و سرکوب نظامی با استفاده از گلوله و بمب دودزا و گازاشک‌آور بوده است که همین امر موجب شده است راهپیمایی بازگشت تا کنون بالغ بر ۶۰ شهید و حدود سه هزار زخمی داشته باشد.

مبارزه با «معامله قرن»

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای راهپیمایی بزرگ بازگشت مبارزه با «معامله قرن» است.

«معامله قرن» اصطلاحی است که در ماه‌های گذشته از سوی ترامپ، مسئولین تل‌آویو و حتی جریان‌های مقاومت فلسطین (علیه آن) بسیار تکرار می‌شود. منظور از «معامله قرن» پایان بخشیدن به مسئله فلسطین و عادی‌سازی روابط میان اعراب و رژیم صهیونیستی است. این مسئله هیچ طرح یا ایده‌ای مشخص و علنی شده‌ای ندارد و به نظر می‌رسد تنها هدفی است که برای مقدمه‌سازی آن سازشگران عربی چون بن سلمان بسیار عجله دارند. ابتکار حماس برای مقابله با خطر «معامله قرن» و «عادی‌سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی» بسیار کارساز بوده است به‌گونه‌ای که فضایی بسیار شدید علیه صهیونیست‌ها در داخل فلسطین و جهان اسلام و حتی اروپا و آمریکا ایجاد شده و باری دیگر فلسطین را به رأس مسئله رسانه‌های جهان اسلام بازگردانده است.»(به نقل از خبرگزاری فارس؛۱۳۹۷/۱/۲۶)

دستاوردهای راهپیمایی بازگشت

راهپیمایی بزرگ بازگشت دستاوردهای عظیمی داشته است.

این دستاوردها را می‌توان چنین تبیین نمود:

«۱- راهپیمایی بازگشت، مسئله فلسطین را به جایگاه اصلی خود بازگرداند.

۲-این راهپیمایی مواضع پوچ و بیهوده تشکیلات رام‌الله را عریان و برملا ساخت.

۳-راهپیمایی بازگشت اعتبار غزه و مقاومت را زنده کرد.

۴- این راهپیمایی‌ها چالشی جدید برای ابومازن ایجاد کرد و وی مجبور شد علاوه بر تغییر مواضع گفتاری خود در قبال غزه به توقف مجازات‌ها علیه این باریکه مجبور شود.

۵- وضعیت پرنوسان و پرچالش و لرزانی که اسرائیل در آن بسر می‌برد را آشکار کرد.

۶- پیامی واضح به کشورهای منطقه که هم‌پیمان رژیم صهیونیستی هستند رساند با این عنوان که با وجود هر گونه تلاشی از سوی آنها برای انجام توافق قرن، ملت فلسطین توانایی دارد، روند تحولات را کاملا تغییر دهد و اوراق بازی را به دست خود گیرد.

۷- فلسطینی‌ها توانستند در پی راهپیمایی بازگشت زمام امور و شرایط را به دست خود گیرند و گروههای مقاومتی و مردمی به یک جریان زنده و فعال در تاثیرگذاری بر حوادث تبدیل شدند.

۸- گزینه‌های فلسطینی‌ها را در پی شرایط بغرنجی که غزه با آن روبرو بود، افزایش داد و آنها در پی شکست مذاکرات آشتی، گزینه‌ای جز تسلیم به امر واقع و یا انتظار برای آنچه رخ خواهد داد از جمله جنگ نداشتند، اما راهپیمایی بازگشت باعث شد گزینه‌های ملت فلسطین در مواجهه با این شرایط سخت، افزایش یابد.

۹- راهپیمایی بازگشت روند تحلیل‌های دوایر صهیونیستی درباره وضعیت غزه را به طور جدی تغییر داد و در شرایط کنونی غزه در صدر اهتمام دوایر سیاسی، نظامی، اجتماعی و رسانه‌ای اسرائیل قرار گرفته است.»(خبرگزاری بین‌المللی قدس ، ۱۳۹۷/۱/۱۴)

اذعان صهیونیست‌ها به دستاوردهای راهپیمایی بازگشت

برخی دیگر از دستاوردها را خود صهیونیستها اعتراف کرده‌اند که نقل می‌نماییم.

به گزارش خبرگزاری قدس(قدسنا)، یونی بن مناحم کارشناس صهیونیست مسائل جهان عرب در تحلیلی در یک نشریه صهیونیستی اعتراف کرد که مهم‌ترین دستاورد این راهپیمایی‌ها، موفقیت در ایجاد نقطه‌ای همواره داغ و ملتهب در مرزها با غزه به عنوان استراتژی فلسطینی ترسیم شده برای ایجاد الگوی جدید از انتفاضه در برابر طرح‌های ترامپ و تمایلات اعراب برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل است.

به گفته او، این راهپیمایی‌ها حالت آرامشی را که بر مرزها از زمان پایان تجاوز نظامی اسرائیل به غزه در سال ۲۰۱۴ حاکم بوده، برهم زده است که این مسئله اسرائیل را وادار کرده است نیروهایش را برای مقابله با این راهپیمایی‌ها به حالت آماده‌باش درآورد، زیرا اسرائیلی‌ها معتقدند که این راهپیمایی‌ها، استراتژی جدید مقاومت فلسطین پس از انتفاضه‌های سنگ، چاقو و سلاح گرم است و اکنون زمان انتفاضه مردمی برای خیزش به سمت مرزها با هدف بازپس‌گیری حقوقی که اسرائیل غصب کرده، فرا رسیده است.

... یوآف لیمور کارشناس نظامی صهیونیست در روزنامه اسرائیل الیوم اذعان کرده است راهپیمایی بازگشت که فلسطینی‌ها در مرزهای نوار غزه (و مناطق‌اشغالی ۱۹۴۸) برگزار می‌کنند، توانسته است ارتش اسرائیل را به نقطه‌ای بازگرداند که از آن انزجار دارد وآن باقی نگه داشتن نیمی از نیروهای اسرائیلی در حالت آماده‌باش بالا در مرزهای غزه و تبدیل کردن زندگی نیمی از اسرائیلی‌های مقیم در اطراف غزه به زندگی که از امنیت بی‌بهره است.

لیمور تاکید کرد: آنچه محافل امنیتی و سیاسی اسرائیل می‌ترسند و نظامیان بیشتری برای ممانعت از آن به خدمت خواهند گرفت، این است که مردم غزه بتوانند نظامیان داخل را به عمق تظاهرات بکشانند و از ایده قدرت و برتری نظامی که در فکر و ذهن نظامیان اسرائیلی وجود دارد، بهره‌برداری کرده تا آنها (صهیونیست‌ها) خود را در محاصره امواج غیرنظامیانی که قیام کرده‌اند، ببینند کسانی که از روحیه بسیار بالایی برخوردارند بر عکس نظامیان اسرائیلی که می‌ترسند.

حمایت همه‌جانبه ایران از مقاومت فلسطین

چند روز پس از آغاز راهپیمایی بازگشت، رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در ۱۳۹۷/۰۱/۱۵ در پاسخ به نامه آقای اسماعیل هنیه رئیس‌دفتر سیاسی حماس همچون گذشته حمایت همه‌جانبه جمهوری اسلامی ایران از مبارزه و مقاومت در فلسطین اعلام فرمودند: «در روزهایی که شدت یافتن ظلم و قساوت دشمن صهیونیست در غزه، دلبستگان به مسئله فلسطین را غمگین و خشمگین ساخته، لازم می‌دانم بار دیگر بر مواضع همیشگی جمهوری اسلامی در این مسئله مهم که در صدر مسائل امت اسلامی است تأکید کنم. بی‌شک مبارزه و مقاومت تنها راه نجات فلسطین مظلوم و تنها نسخه‌شفابخش جراحات وارد بر پیکر آن ملت شجاع و سرافراز است.... ما خود را موظف به حمایت از شما از هر نوع آن می‌دانیم. این وظیفه‌ای دینی و نیز فریضه‌ای انسانی و فراتر از حوادث و تحولات سیاسی است و ان‌شاءالله همچون گذشته به این وظیفه عمل خواهیم کرد. دولت‌ها و ملت‌های مسلمان و جریانات اسلامی همگی مخاطب و موظف به این وظیفه بزرگند. امروز بازگشت به عزّت و اقتدار برای امت اسلامی منحصراً در گرو ایستادگی در برابر استکبار و نقشه‌های خباثت‌آمیز آن است، و مسئله فلسطین در رأس همه مسائل بین‌الملل اسلامی در مقابل استکبار است.»

حمایت از خیزش مجدد ملت فلسطین

رهبر انقلاب در ۹۷/۲/۲۷ از خیزش مجدد ملت فلسطین حمایت نموده و سکوت و بی‌تفاوتی دنیای اسلام را محکوم و ریشه آن را دوری از قرآن دانستند: «امروز بلای دنیای اسلام دوری از قرآن است؛ نکبت بعضی از جوامع اسلامی به‌خاطر دوری از قرآن است؛ وضع فلسطین را ببینید! یک ملّتی از خانه خود دور افتاده، آنهایی که در این خانه مانده‌اند، زیر انواع فشارها قرار دارند که یک نمونه‌اش را همین چند روز [گذشته] مشاهده کردید؛ شهدای فراوان، چند هزار مجروح و زخمی، به دست یک رژیم غاصبِ خبیثِ جعلیِ دروغین، و مسلمان‌ها دارند همین‌طور نگاه می‌کنند، تماشا می‌کنند. بعضی‌ها گِله می‌کنند که «چرا آمریکا موضع نگرفته»؛ مگر آمریکا باید موضع بگیرد؟ آمریکا خود شریک جرم است؛ بسیاری از دولت‌های غربی شریک جرمند؛ انتظار دارید اینها موضع بگیرند؟ موضع را باید مسلمان‌ها بگیرند؛ موضع را باید امّت اسلامی بگیرد؛ امّت اسلامی، دولت‌های اسلامی، حکومت‌های اسلامی هستند که باید بِایستند و نمی‌ایستند. چرا؟ چون از قرآن دورند؛ چون به قرآن بی‌اعتقادند. آیه شریفه سوره انّافتحنا را تلاوت کردند: اَشِدّاءُ عَلَی الکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم؛ در مقابل دشمنان دین و در مقابل کفّار بایستی سرسخت بود، بین خودمان بایستی مهربان باشیم؛ [امّا] عکسش را عمل می‌کنند.»

تولد فلسطین قدرتمند

معظم‌له در ۱۳۹۷/۱/۲۵ از تبدیل ملت فلسطین به یک فلسطین قدرتمند که دشمن تا دندان مسلح و دارای تسلیحات اتمی را به زانو در آورده است، خبر دادند: «حالا البتّه فشارها بر روی مردم فلسطین در این ایّام و ایّام گذشته -در این هفتاد سال- فراوان بوده است امّا شما ملاحظه کنید که همان جمعیّت مظلوم محدودی که صهیونیست‌ها توانستند به آسانی بر آنها غلبه پیدا کنند و یک ملّت را از کشور خودش بیگانه کنند و دستش را کوتاه بکنند و بر آن کشور مسلّط بشوند، همان ملّت ضعیف، امروز تبدیل شده است به یک فلسطین قدرتمند که حکومت صهیونیستی را تهدید می‌کند و حکومت صهیونیستی در مواجهه با آن احساس ضعف می‌کند، احساس عجز می‌کند.»

فلسطین از دست دشمنان خلاص خواهد شد

رهبر معظم انقلاب در ۱۳۹۷/۲/۲۷ مژده فرمودند: «فلسطین به توفیق الهی و باذن‌الله‌تعالی از دست دشمنان خلاص خواهد شد؛ بیت‌المقدّس پایتخت فلسطین است و آمریکا و بزرگ‌تر از آمریکا و کوچک‌تر از آمریکا و اذناب آمریکا، در قبال حقیقت و سنّت الهی در مورد فلسطین هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.»

اقدامات جنایتکارانه و ددمنشانه صهیونیست‌ها علیه راهپیمایی بزرگ بازگشت موجب افزایش بی‌سابقه بغض و کینه و نفرت بین‌المللی علیه اسرائیل شده است و بدون شک همین امر پیروزی ملت فلسطین و آزادی قدس و نابودی رژیم جعلی و نامشروع صهیونیستی را نزدیکتر خواهد نمود.